



بررسی تمایز توسل و بت‌پرستی در

ترازوی وحی

روح‌الله حاجیلو*

مصطفی مهاجر**

چکیده

تبیین نسبت میان «سنت توسل» و «انگاره شرک» از چالش‌های بنیادینی است، که فرقه وهابیت از آن سخن گفته است. جریان وهابیت با همسان‌پنداری این دو مقوله، مسیری را گشوده‌اند که پیامد مستقیم آن تکفیر همه مسلمانان غیر وهابی است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، تفاوت‌های ساختاری توسل و بت‌پرستی را در ترازوی وحی واکاوی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شرک مشرکان مکه بر پایه‌هایی چون «تفویض تدبیر به غیر خدا»، «اعتقاد به تأثیر استقلال‌ی واسطه‌ها» و «انکار معاد و نبوت» استوار بود. در مقابل، توسل اسلامی بر مبانی اصیل «محوریت اذن الهی» بنا شده است. نتایج تحقیق ثابت می‌کند با این که شباهت‌هایی دارند دارای تضاد ماهوی هستند. همسان‌پنداری آن‌ها ناشی از مغالطه در فهم حقیقت پیوند مشرکان با معبودهایشان و نادیده گرفتن جایگاه «اذن خداوند» در منظومه فکری مسلمانان است.

کلیدواژه‌ها: توسل، بت‌پرستی، شرک جاهلی، اذن الهی، تکفیر، توحید عبادی.

* پژوهشگر نقد وهابیت.

** کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی و پژوهشگر نقد وهابیت.

مقدمه

مسئله «وساطت در فیض» و نسبت آن با اصل توحید، از دیرباز در اندیشه اسلامی جایگاهی محوری داشته است. توسل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولیای الهی، نه تنها یک سنت متداول در سیره صحابه و تابعین، بلکه رویه‌ای مورد اتفاق در تمامی مذاهب اسلامی تا سده‌های اخیر بوده است. این ثبات کلامی با ظهور خوانش‌ها و تفسیرهای ضد قرآنی و ضد اسلامی از متون دینی به وجود آمد و دستخوش چالشی بنیادین شد. جریان وهابیت با بازخوانی متفاوت از توحید عبادی، مدعی شد که هرگونه استمداد از غیر خدا، تکرار موبه‌موی شرک مشرکان عصر جاهلیت است. این قرائت تفسیر خاص منحصر به فرد، مرزهای ایمان و کفر را جابجا کرد، که پیامد مستقیم آن تکفیر مسلمانان بوده است.

ادعای محوری این جریان بر این پندار استوار است که بت‌پرستان مکه نیز بت‌ها را صرفاً شفیع و واسطه تقرب می‌دانستند، لذا مرزی میان عمل مسلمانان و مشرکان وجود ندارد. اما واکاوی دقیق در «ترازوی وحی» نشان می‌دهد که این همسان‌پنداری، صحیحی نیست و نشأت گرفته از تفسیر خاص وهابیت از توحید و اتهام بدون دلیل به مسلمانان است چرا که مشرکان مکه در ساختار فکری خود، قائل به «تفویض تدبیر» بودند؛ آنان می‌پنداشتند خداوند تدبیر امور عالم را به مخلوقاتی مستقل (مانند جن، فرشته، صالحین) واگذار کرده و خود از تدبیر شئون عالم کناره گرفته است. از این منظر، بت‌ها نه واسطه‌هایی مأذون، بلکه موجوداتی صاحب قدرت استقلالی و لو در ذره‌ای از امور هستند.

در مقابل، حقیقت توسل در اسلام بر نفی کامل استقلال از واسطه و محوریت اراده الهی (اذن) استوار است. این پژوهش در صدد است تا با کالبدشکافی باورهای مشرکان تفاوت بنیادین آن را با ایمان اسلامی به حیات برزخی اولیا و مقام شفاعت مأذون تبیین نماید. هدف نهایی این مقاله، اثبات این حقیقت است که توسل به اولیای الهی، نه تنها خروج از مرز توحید نیست، بلکه عالی‌ترین تجلی گردن نهادن به فرامین وحیانی برای تقرب به ساحت ربوبی است.

وهابیت؛ همسان‌پنداری توسل با بت‌پرستی

وهابی‌ها هیچ نص و دلیل خاصی بر نفی توسل از کتاب و سنت ارائه نکرده‌اند. زیرا هیچ آیه یا روایتی به صورت صریح یا کنایه‌ای در قرآن و روایات پیامبر وجود ندارد که توسل به اولیای الهی را رد کند و آن را جایز نداند. بلکه آیات و روایات متعددی تصریح دارد که توسل به پیامبر و اولیای الهی و درخواست شفاعت از آنان جایز است. لذا وهابی‌ها مجبور شده‌اند برای انکار توسل به ذات و شفاعت در برزخ، به برخی عمومات قرآن تمسک کنند. آن‌ها با برداشت اشتباه از این عمومات، و قیاس عمل مسلمانان با مشرکان، که قیاسی مع‌الفارق است، می‌گویند عمل مسلمانان شبیه عمل مشرکان است و توسل به ذات اولیای الهی در زمان ممات مثل توسل مشرکان به بت‌هاست.^۱

جریان وهابیت با نادیده گرفتن تفاوت‌های بنیادین معرفت‌شناختی، مدعی است که سنت توسل در میان مسلمانان، تکرار مو به موی رفتار مشرکان عصر جاهلیت است. آنان با استناد به آیاتی از قرآن معتقدند مشرکان عبادت بت‌ها را برای نزدیکی به خدای بزرگ انجام می‌دادند و مسلمانان هم متوسل به اولیای الهی می‌شوند تا به خدا نزدیک شوند، پس هر دو مشرک‌اند.^۲ برخی از آیاتی که آنان استناد کرده‌اند، در ذیل اشاره و بررسی می‌شود.

۱. آیه ۳ سوره زمر

اصلی‌ترین مستند وهابیت آیه ۳ سوره زمر «مَا تَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى»^۳ است. وهابی‌ان با تفکیک توحید ربوبی و الوهی و عدم تلازم بین آن دو مدعی‌اند مشرکان عصر جاهلیت در حوزه خالقیت و تدبیر (ربوبیت) موحد بودند و تنها در ساحت پرستش (الوهیت) دچار انحراف گشته‌اند.^۴ از منظر این جریان، تقرب‌جویی به خداوند از طریق

۱. ابن‌عبدالوهاب، محمد، کشف الشبهات، ص ۱۸؛ همو، الرسائل الشخصية، ص ۱۲۵؛ فوزان، صالح، إعانة المستفيد، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. ابن‌عبدالوهاب، محمد، کشف الشبهات، ص ۱۸.

۳. ما آن‌ها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی‌پرستیم.

۴. ابن‌عبدالوهاب، محمد، الرسائل الشخصية، ص ۱۲۴.

صالحان، زیر مجموعه مفهوم «عبادت» قلمداد می‌شود. آنان معتقدند همان‌گونه که مشرکین زمان پیامبر ﷺ وساطتی چون ملائکه را برای تقرب می‌خواندند، هرگونه استمداد از غیر خدا در دوران کنونی نیز عیناً همان شرک در عبادت است.^۱

وهابیت با تکیه بر شباهت ظاهری در «ساختار وساطت»، انگیزه توسل در مسلمانان را تکرار ماهیت رفتار بت‌پرستان صدر اسلام دانسته و حکم شرک را بر هر دو گروه تسری می‌دهد. در ترازوی وهابیت، «واسطه‌گری» مرز قطعی میان ایمان و کفر است و اعتقاد به بنده بودن واسطه (نفی استقلال)، تأثیری در تغییر حکم شرک‌آمیز بودن این عمل ندارد. محمد بن عبدالوهاب بنیان‌گذار وهابیت، ریشه شرک جاهلی را در فقدان «اخلاص عبادی» می‌جوید و مدعی جواز درخواست از واسطه در زمان حیات هستند، اما مواضع آنان در این موارد نشانگر این است که آنان به صورت عام با درخواست از واسطه مخالف بوده و آن را شرک می‌دانند اما در زمان حیات آن فرد صالح و زمان قیامت را استثنا کرده‌اند.^۲ گویی که آنان این دو مورد را شرک جایز معرفی کرده‌اند!

وهابی‌ان بر پایه این آیه چنین استدلال می‌کنند:

• مشرکان مکه بت‌ها را به صورت مستقل عبادت نمی‌کردند و آن‌ها را «رب» خود نمی‌دانستند.

• هدف آنان از گرنش در برابر بت‌ها، صرفاً اتخاذ واسطه‌ای برای تقرب به پیشگاه خداوند بود.

• بنابراین، استمداد مسلمانان از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان واسطه، عیناً همان شرک مشرکان صدر اسلام است.

۱. «وتمام هذا أن تعرف أن المشركين الذين قاتلهم رسول الله ﷺ كانوا يدعون الصالحين - مثل الملائكة وعيسى وأمه وعزير وغيرهم من الأولياء - فكفروا بهذا، مع إقرارهم بأن الله سبحانه هو الخالق الرازق المدير. إذا عرفت هذا عرفت معنى " لا إله إلا الله "، وعرفت أن من نخا نبيا أو ملكا، أو نديه أو استغاث به فقد خرج من الإسلام، وهذا هو الكفر الذي قاتلهم عليه رسول الله ﷺ». (ابن عبدالوهاب، محمد، مجموعة رسائل في التوحيد والإيمان، ص ۳۶۷).

۲. «وقال تعالى: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ وهذه أعظم مسألة خالفهم فيها رسول الله ﷺ، فأتى بالإخلاص، وأخبر أنه دين الله الذي أرسل به جميع الرسل، وأنه لا يقبل من الأعمال إلا الخالص، وأخبر أن من فعل ما استحسنا فقد حرم الله عليه الجنة ومأواه النار. وهذه هي المسألة التي تفرق الناس لأجلها بين مسلم وكافر، وعندها وقعت العداوة، ولأجلها شرع الجهاد». (همان، ص ۲۳۴).

بررسی و نقد

بررسی هر یک از سه مقدمه استدلال وهابیان و نقد آن، در محورهای زیر قابل طرح است:

۱. شرک مشرکان در ترازوی وحی

وهابیان با برداشت ظاهری و بدون بررسی وضعیت شرک مشرکان ادعا می‌کنند که مشرکان در خارج به ربوبیت خداوند اعتقاد داشته و موحد به توحید ربوبی بودند.^۱ محمد بن عبدالوهاب در این باره می‌گوید: مشرکان باور داشتند که خداوند، خالق یگانه‌ای است که شریکی ندارد و کسی جز او روزی نمی‌دهد و کسی جز او زنده نمی‌کند، نمی‌میراند و تدبیر امور نمی‌کند.^۲

همین دیدگاه در اذهان وهابیان ریشه دوانده و به یک تفکر بنیادی تبدیل شده است.^۳ به طوری که آنان توحید ربوبی مشرکان را به عنوان یک گفتمان اعتقادی در جوامع اسلامی تبلیغ می‌کنند.^۴ البته توحیدی که انسان را داخل در دایره اسلام نمی‌کند.^۵ زیرا در نگاه وهابیت توحید واقعی و آن چیزی که محل نزاع بین انبیاء علیهم‌السلام و مشرکان بوده است، توحید الوهی یا عبادت خداوند است.^۶

برای تبیین صحیح مرزهای ایمان و شرک، پیش از هر چیز باید منظومه اعتقادی

۱. «كانوا مع إقرارهم بأن الله هو الخالق وحده، يجعلون معه آلهة أخرى». (ابن عبدالوهاب، سليمان، التوضيح عن توحيد الخلاق، ص ۳۵۳).

۲. «فهؤلاء المشركون يشهدون أن الله هو الخالق وحده لا شريك له، وأنه لا يرزق إلا هو، ولا يحيي ولا يميت إلا هو ولا يدبر الأمر إلا هو» (ابن عبدالوهاب، محمد، كشف الشبهات، ص ۴).

۳. «أنهم يقررون بتوحيد الربوبية». (ابابطين، عبد الله، الانتصار لحزب الله، ص ۳۰): «فإن هذا التوحيد... كان يؤمن به المشركون الذين بعث إليهم رسول الله ﷺ» (ألباني، محمد، تحذير الساجد، ص ۷۳): «أما الربوبية فكانوا معترفين بها لله وحده كما قال سبحانه: ﴿وَلَيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ﴾» (ابن باز، عبدالعزيز، مجموع فتاوى، ج ۱، ص ۲۶): «أن هذا الذي قرروه قد أقر به المشركون... ﴿وَلَيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾» (بن عثيمين، محمد، مجموع فتاوى، ج ۴، ص ۲۳۶).

۴. «قد فطر الله جميع الخلق على الإقرار بربوبيته؛ حتى إن المشركين الذين جعلوا له شريكاً في العبادة بقرون بتفرده بالربوبية» (فوزان، صالح، عقيدة التوحيد، ص ۲۳).

۵. «لم يدخل الرجل في الإسلام بتوحيد الربوبية إلا إذا انضم إليه توحيد الألوهية» (ابن عبدالوهاب، محمد، مجموعة مؤلفات، ج ۲، ص ۱۰۲۵).

۶. «اعلم أن التوحيد هو: إفراد الله سبحانه بالعبادة، وهو دين الرسل الذي أرسلهم الله به إلى عباده». (ابن عبدالوهاب، محمد، الجواهر المضيئة، ص ۴).

مشرکان را در پرتو آئینه وحی بازخوانی کرد؛ زیرا قرآن کریم، معتبرترین منبع برای شناخت حقیقت شرک در عصر جاهلیت است.

از نگاه آیات کریمه، شرک مشرکان صرفاً در برخی رفتارهای ظاهری یا اعمال عبادی خلاصه نمی‌شد، بلکه بر منظومه‌ای اعتقادی استوار بود که در آن، برای غیر خداوند نوعی ربوبیت و استقلال در تدبیر عالم اثبات می‌شد. از این رو، برخلاف ادعای وهابیت، محور اصلی شرک مشرکان، شرک در ربوبیت بود؛ حقیقتی که افزون بر دلالت روشن آیات قرآن، برخی از نویسندگان وهابی نیز بدان تصریح کرده‌اند.^۱ بر این اساس، رابطه مشرکان با معبودهای خود، بر مبانی‌ای استوار بود که نه تنها هیچ سنخیتی با توسل مشروع اسلامی ندارد، بلکه در تقابل کامل با آن قرار می‌گیرد.

ریشه‌ی اساسی این انحراف، اعتقاد به تفویض تدبیر بود. مشرکان، هرچند خداوند را خالق جهان می‌دانستند، اما بر این باور بودند که او تدبیر شئون عالم را به موجوداتی مستقل واگذار کرده است. از این رو، معبودهای آنان نه صرفاً واسطه‌هایی برای تقرب، بلکه «ارباب» و «مدیران صاحب‌اختیار» عالم به شمار می‌آمدند که می‌توانستند مستقلاً در نظام هستی تصرف کرده، سود و زیان انسان‌ها را رقم بزنند. قرآن کریم در آیات متعددی به این نگرش ربوبی و اعتقاد مشرکان به استقلال معبودهایشان در تدبیر امور اشاره کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. اعتقاد به مالکیت عزت و ذلت

آیه ۸۱ سوره مریم تصریح می‌کند که مشرکان معبودهایی غیر از خدا برگزیدند، تا سبب عزت آن‌ها باشند: ﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا﴾ این آیه نشان می‌دهد که آنان بت‌ها را منشأ اصلی اعطای عزت، به دست بت‌ها می‌دیدند.

۱. «صالح فوزان می‌گوید برخی مشرکان معتقدند معبودهایشان مالک برخی تصرفات هستند و برخی بت‌ها را به صورت کواکب در نظر گرفته‌اند، به گمان اینکه کواکب در عالم مؤثرند؛ و إنما ذهب بعض المشركين إلى أن معبوداتهم تملك بعض التصرفات في الكون... و طائفة اتخذت الأصنام على صورة الكواكب؛ التي زعموا أنها تؤثر على العالم، فجعلوا لها بيوتاً و سدة». (فوزان، صالح، إعانة المستفيد، ج ۱۹، ص ۱۱).

۲. باور به قدرت یاری‌گری و پیروزی در جنگ

آیه ۷۴ سوره یس بیانگر آن است که آنان معبودانی را به امید یاری گرفتن انتخاب می‌کردند: ﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ﴾^۱ بر اساس این آیه، مشرکان معبودهای خود را به امید دستیابی به نصرت و پیروزی برگزیده بودند.

۳. اعتقاد به مالکیت رزق و روزی

در آیه ۱۷ سوره عنکبوت، خداوند ادعای آن‌ها را در مورد تأثیر مستقل معبودان در معیشت رد می‌کند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا﴾ مفاد آیه آن است که مشرکان، معبودهای خود را دارای نقش و تأثیر در تأمین روزی می‌پنداشتند؛ از این رو، قرآن کریم با نفی مالکیت رزق از غیر خداوند، این اعتقاد را باطل می‌شمارد.

۴. اعتقاد به ربوبیت ستارگان و اجرام آسمانی

قرآن کریم در ماجرای احتجاج حضرت ابراهیم علیه السلام با ستاره‌پرستان، از باور آنان به ربوبیت کواکب، ماه و خورشید پرده برمی‌دارد: ﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي﴾^۱

محور استدلال حضرت ابراهیم علیه السلام ابطال ربوبیت این اجرام آسمانی است؛ زیرا مخاطبان وی، آن‌ها را صرفاً واسطه نمی‌دانستند، بلکه برای آنان نوعی ربوبیت و تدبیر مستقل قائل بودند. اگر این موجودات تنها وسیله‌ای در دست خداوند بودند، احتجاج حضرت ابراهیم بر اساس افول و غروب آنان، ناظر به نفی ربوبیتشان معنا نداشت.

۵. اعتقاد به ربوبیت فرشتگان و جن

قرآن کریم در بیان عقاید مشرکان می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾^۲

۱. سوره أنعام، آیات ۷۶-۷۸.

۲. سوره سبأ: آیات ۴۰-۴۱.

این آیات نشان می‌دهد که گروهی از مشرکان، فرشتگان و جن را معبود خویش قرار داده بودند و برای آنان نوعی ولایت، سلطه و تأثیر در عالم قائل بودند؛ از این رو عبادت و استعانت از آنان را راهی برای جلب منفعت و دفع ضرر می‌پنداشتند.

۶. اعتقاد به وجود «انداد» برای خداوند

قرآن کریم درباره مشرکان می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾^۱

واژه «انداد» به معنای همتایان و همانندان خداوند است. اطلاق این عنوان نشان می‌دهد که مشرکان برای معبودهای خود، شأنی فراتر از یک واسطه صرف قائل بودند و آنان را در برخی شئون ربوبی، شریک و همتای خداوند می‌پنداشتند.

واکاوی در آرای مفسران علمای اهل سنت نیز، پرده از انحرافات بنیادین مشرکان در حوزه ربوبیت برمی‌دارد. از دیدگاه علمای اهل سنت، مشرکان اگرچه به اصل خالقیت و رازقیت عمومی خداوند معترف بودند،^۲ اما با وجود این اقرارها در ربوبیت شرک داشتند. بدین صورت که؛

الف: از میان شئون ربوبی فقط خالقیت را برای خداوند قبول داشتند و هر چیزی ورای خالقیت را برای خدا انکار می‌کردند.^۳ یعنی در دیگر شئون ربوبی شرک داشتند.

ب: در عین اقرار به ربوبیت الهی برای خدا در ربوبیت شریک هم قائل بودند.^۴ به این صورت که غیر خدا را به عنوان ارباب خود گرفته و برای خدا فرزند قائل بودند.^۵ یا

۱. سورة بقره: آیه ۱۶۵.

۲. «عن أبي العالية ومجاهد أن كلاً أقرّ بخلقه إياهم، وإن أشركوا معه، لقوله: «وَلَيْتَن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ»» (راغب اصفهانی، أبو القاسم حسین، تفسیر الراغب، ج ۲، ص ۶۸۷).

۳. «عن عكرمة، ومجاهد، وعامر: أنهم قالوا... ليس أحد إلا وهو يعلم أن الله خلقه وخلق السموات والأرض، فهذا إيمانهم، ويكفرون بما سوى ذلك» (طبري، محمد، جامع البيان، ج ۱۶، ص ۲۸۸).

۴. «لا تسأل أحداً من المشركين: من ربك؟ إلا قال: ربّي الله! وهو يشرك في ذلك» (طبري، محمد، جامع البيان، ج ۱۶، ص ۲۸۸؛ صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر عبدالرزاق، ج ۲، ص ۲۲۳، ح ۱۳۴۲).

۵. «وما يُقرُّ أكثر هؤلاء... بالله أنه خالقه ورازقه وخالق كل شيء إلا وهم مشركون... واتخاذهم من دونه أرباباً» (طبري، محمد، جامع البيان، ج ۱۶، ص ۲۸۶)؛ «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ فِي إِقْرَارِهِمْ بِوُجُودِهِ وَخَالِقِيَّتِهِ «إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» بعبادة غيره أو باتخاذ الأخبار أرباباً» (بيضاوی، عبدالله، أنوار التنزيل، ج ۳، ص ۱۷۸).

اوصاف ربوبی غیر از خالقیت را برای بت‌هایشان هم قائل بودند.^۱ لذا این اقرار غیرتوحیدی و به معنای ایمان در ضمن شرک است.^۲

از این رو در ترازوی وحی، بت‌پرستی نه یک مسیر برای رسیدن به خدا، بلکه ادعایی برخاسته از جهل و هواپرستی است که استقلال واسطه‌ها را جایگزین اراده مطلق الهی می‌کند. آنان معبودهای خود را صرفاً واسطه تقرب به خدا نمی‌دانستند، بلکه برای آنان نقش مستقلی در تدبیر عالم، جلب منفعت و دفع ضرر قائل بودند. از این رو، قیاس این باور با توسل مشروع اسلامی، قیاسی مع الفارق است؛ زیرا در فرهنگ توسل، هرگونه استقلال از غیر خداوند نفی شده و اولیای الهی تنها مجاری فیض و اسبابی هستند که تأثیر آنان منحصرأ در پرتو اذن، مشیت و اراده الهی معنا می‌یابد. بدین سان، در ترازوی وحی، شرک مشرکان و توسل اسلامی، دو منظومه اعتقادی کاملاً متفاوت و متقابل اند.

۲. افشای کذب ادعای مشرکان در ترازوی وحی

وهابیت معتقد است که مشرکان بت‌ها را واسطه‌ای برای تقرب به خداوند قرار می‌دادند. برای درک حقیقت، باید از نگاه تقطیعی به آیات پرهیز کرد و به سیاق و منظومه وحیانی توجه نمود. بطلان ادعای مشرکان در ذیل همین آیه مورد تصریح قرآن قرار گرفته است.

خداوند متعال در پایان آیه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ»

توصیف مشرکان به «کاذب» نشان می‌دهد که ادعای آنان مبنی بر «واسطه بودن صرف»، یک دروغ بزرگ برای توجیه رفتارهای شرک‌آلودشان بوده است. در واقع، آنان برای بت‌ها مقام ربوبیت قائل بودند، اما در مقام احتجاج، به دروغ خود را صرفاً شفاعت طلب معرفی می‌کردند.

افزون بر این، مشرکان برای بت‌ها و دیگر معبودهای خود نوعی استقلال در شئون

۱. «عن عكرمة وعامر، في قوله تعالى: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ﴾ قالوا: يؤمنون بالله أنه ربههم وهو خالقهم ويشركون من دونه، وهذا قول أكثر المفسرين». (ثعلبي، أحمد، الكشف والبيان، ج ۵، ص ۲۶۲).

۲. «بصيرة في الايمان وقد ورد في التنزيل على خمسة أوجه: ...الزابع: إيمان في ضمن شرك المشركين أولي الطغيان: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ وقلنا: إيمان في ضمن الشرك هو معنى ﴿وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾». (فیروزآبادی، مجدالدین، بصائر ذوي التمييز، ج ۲، ص ۱۵۰).

ربوبی، از قبیل تدبیر عالم، اعطای عزت، نصرت، رزق و دفع ضرر قائل بودند. از همین رو، خضوع، استغاثه و عبادت آنان نسبت به این معبودها، بر پایه اعتقاد به الوهیت و ربوبیت مستقل آنان شکل گرفته بود. بنابراین، قرآن کریم آنان را نه به سبب صرف درخواست از غیر خدا، بلکه به دلیل چنین اعتقاد شرک‌آلودی، مشرک و عابد غیر خدا معرفی کرده است.

در مقابل، اگر درخواست از غیر خداوند با این باور همراه باشد که وی هیچ‌گونه استقلالی در تأثیر ندارد و هرگونه شفاعت، یاری یا تصرف او تنها به اذن، مشیت و قدرت الهی تحقق می‌یابد، چنین درخواستی نه عبادت غیر خدا است و نه با توحید منافات دارد. همان‌گونه که قرآن کریم تدبیر برخی امور را به فرشتگان و احیای مردگان، شفای بیماران و آفرینش از گل را با تصریح به «بِإِذْنِ اللَّهِ» - به حضرت عیسی علیه السلام نسبت داده است، روشن می‌شود که اصل انتساب فعل به غیر خدا، مادامی که با نفی استقلال و اثبات اذن الهی همراه باشد، هیچ‌گاه ملازم با شرک نیست.

بر این اساس، قیاس توسل مشروع مسلمانان با عبادت مشرکان، قیاسی مع الفارق است؛ زیرا حقیقت عبادت در منطق قرآن، بر اعتقاد به الوهیت و استقلال معبود در تأثیر و تدبیر استوار است، نه صرف خطاب، استغاثه یا درخواست از غیر خداوند. از این رو، درخواست دعا، شفاعت یا یاری از اولیای الهی، با اعتقاد به اینکه همه آثار و تصرفات آنان در طول اراده و اذن الهی است، هیچ منافاتی با اصل توحید نخواهد داشت.

۳. ملاک شرک در ترازوی وحی

جریان وهابیت استمداد مسلمانان از وسائط مأذون (انبیا و اولیا) را عیناً تکرار رفتار مشرکان مکه می‌پندارد. در حالی که برخلاف آیات کریمه، دو تمایز بنیادین در ماهیت پیوند دادن این دو عمل وجود دارد.

اولاً: تفاوت ماهوی در «ملاک شرک» و «معیار تأثیرگذاری» میان توسل اسلامی و بت‌پرستی وجود دارد. چراکه آیات کریمه نشان می‌دهد، منشأ و ملاک شرک مشرکان، صرف اعتقاد به تأثیر موجودات دیگر نبوده، بلکه باور به استقلال آنان در برابر خداوند

متعال بوده است. لذا قرآن کریم مشرکان را به سبب آنکه برای معبودهای خود شأنی مستقل در اعطای عزت، نصرت و ولایت قائل بودند، مورد نکوهش قرار داده است.^۱

ثانیاً: تفاوت ماهوی در «متعلق توسل» و هم در «غایت آن» آشکار است؛ تفاوت در متعلق: مسلمانان به پیامبری استشفاع می کنند که قرآن او را «حی و عند ربهم یرزقون» می نامند، درحالی که مخاطب آیات نفی بت پرستی، بت های بی جان و «موجودات موهومی» هستند که حتی در بازپس گیری طعمه از یک مگس ناتوانند.^۲

تفاوت در غایت: انگیزه مشرک، رسیدن به منافع مادی از طریق معبود مستقل بود؛ اما هدف مسلمان، تعظیم شعائر الهی و حرکت در مسیر دستور قرآنی ﴿وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِيلَةَ﴾^۳ برای تقرب معنوی است.

۳. آیه ۷۳ سوره حج

جریان وهابیت با استناد به ظاهر آیه ۷۳ سوره حج^۴ هرگونه استمداد از غیر خدا را عیناً همان شرک مشرکان صدر اسلام می پندارند.^۵ وهابیان مدعی اند همان گونه که خداوند بت پرستان را به دلیل خواندن موجوداتی که حتی قدرت خلق یک مگس را ندارند مذمت کرده، مسلمانانی که پیامبران و اولیای از دنیا رفته را ندا می دهند، نیز مانند مشرکان هستند. آنان معتقدند کسی که از میت کمک می خواهد، برای او قدرت شنیدن، دیدن و علم قائل شده و او را غنی پنداشته است که این نگاه، الحاد در توحید اسماء و صفات و شرک در عبادت است. وهابیان معتقدند آیه بر عجز و ناتوانی مطلق مدعوین (کسانی که خوانده می شوند) دلالت دارد؛ لذا اولیای الهی صلاحیت ندارند که مخاطب دعا و ندا قرار گیرند.^۶

در میان وهابیان معاصر، أبو عبدالرحمن العروسی در بحث از ندای غیرالله به آیه

۱. سوره مریم، آیه ۸۱؛ سوره جائیه، آیه ۱۰؛ سوره یس، آیه ۷۴؛ سوره نوح، آیه ۲۵.

۲. سوره حج، آیه ۷۳.

۳. سوره مائده، آیه ۳۵.

۴. ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَاباً﴾

۵. البانی، محمد ناصرالدین، موسوعة الاکبائی، ج ۳، ص ۷۸۰.

۶. فوزان، صالح، إعانة المستفید، ج ۱، ص ۲۰۴.

محل بحث استناد کرده و بیان می‌کند که این آیه بر ناتوانی موجودات غیر خدا، در پاسخ‌گویی به درخواست‌ها دلالت دارد. بر اساس تقریر وی، موجوداتی که به‌جای خداوند خوانده می‌شوند، از چنان ناتوانی برخوردارند که حتی اگر همگی برای آفرینش یک مگس گرد هم آیند، قادر به انجام آن نیستند. وی نتیجه می‌گیرد که چنین موجوداتی صلاحیت آن را ندارند که مخاطب دعا و ندا قرار گیرند؛ زیرا صفاتی همچون قدرت، علم، سمع و بصر که برای اجابت‌کننده دعا لازم است، در آنان وجود ندارد و این صفات به‌صورت مطلق، از آن خداوند است.^۱

بررسی و نقد

تتبع در دیدگاه‌های علمای فریقین، علاوه بر اثبات انحصار مخاطب در مشرکان، تمایزهای ساختاری توسل و بت‌پرستی را در محورهای زیر آشکار می‌سازد:

الف) تمایز در شأن نزول

واکاوی آرای برجسته‌ترین مفسران جهان اسلام نشان می‌دهد که شأن نزول آیه ۷۳ سوره حج، منحصرأ در مقام توبیخ مشرکان و نفی الوهیت بت‌ها است. از این رو توسل مسلمانان از موضوع این آیه خروج موضوعی دارد؛ زیرا در توسل، اعتقاد به ربوبیت و خالقیت مستقل واسطه وجود ندارد، درحالی‌که مقوم شرک مورد بحث در آیه، همین ادعای الوهیت و استقلال بت‌هاست. به عنوان نمونه، سیوطی^۲ و ابن‌ابی‌حاتم^۳ با استناد به روایات ابن عباس و سدی، تصریح کرده‌اند که این آیه در پاسخ به رفتار مشرکانی نازل شد که برای بت‌های خود طعام می‌گذاشتند و خداوند با مثال «مگس»، ناتوانی مطلق این تندیس‌ها را در بازپس‌گیری حقیرترین اشیاء به تصویر کشید. ابن‌کثیر بر این باور است که عتاب خداوند متوجه کسانی است که برای بت‌ها قدرت ایجاد و تدبیر مستقل قائل بودند. از منظر ابن‌کثیر هدف وحی این بوده تا به عابدان بفهماند، حتی اگر تمام معبودهای

۱. عروسی، ابی‌عبدالرحمن جیلان، الدعاء ومنزلته من العقيدة الإسلامية، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲. «اخرج ابن مردويه عن ابن عباس فی قوله ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مِّثْلُ مَا اسْتَمِعُوا لَهُ﴾ قال نزلت فی صنم.» (سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۷۵).

۳. رازی، ابن‌ابی‌حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۲۵۰۵.

پنداری‌شان با هم متحد شوند، قدرت خلق ناچیزترین موجودات (مگس) را ندارند و از آن فراتر، حتی در بازپس‌گیری حقیرترین اشیاء از یک مگس نیز ناتوان و بی‌دفاع هستند.^۱ فخر رازی نیز بیان می‌کند که از نظر عقل، تعظیم غیرخدا باید همواره کمتر از تعظیم پروردگار باشد. وی معتقد است مشرکان به این دلیل مستوجب ذم و عتاب الهی گشته‌اند که در عمل، میان تعظیم خدا و غیرخدا تساوی برقرار کرده و غایت احترام و کرنشی را که مخصوص ذات حق است، برای تماثیل و موجوداتی قائل بودند که فاقد هرگونه قدرت استقلالی هستند.^۲ در تفسیر جلالین،^۳ بیضاوی^۴ و ابن‌عاشور،^۵ مراد از «الَّذِينَ تَدْعُونَ» را اصنام و بت‌هایی دانسته‌اند، که مشرکان آن‌ها را در مقام خالقیت می‌خواندند.

بر این اساس، آیه منحصرراً در شأن بت‌ها و توبیخ مشرکانی است که برای تندیس‌های بی‌جان، مقام ربوبیت قائل بودند. از این‌رو توسل مسلمانان از موضوع این آیه خروج موضوعی دارد؛ زیرا در توسل، اعتقاد به ربوبیت و خالقیت مستقل واسطه (که مقوم شرک مورد بحث در آیه است) ابداً وجود ندارد. ضمن اینکه مفسران معبودهای مورد بحث در آیه را «جمادات بی‌حس» می‌دانند. درحالی‌که مورد توسل در اسلام، «اشرف مخلوقات» است که دارای حیات برزخی و قدرت شنیدن مأذون است. لذا قیاس استمداد از یک موجود «حی و مأذون» با پرستش یک «جماد بی‌جان»، قیاسی مع‌الفارق است.

ب) مغالطه در مفهوم اذن (اذن الهی)

وهابیت با استناد به آیه محل بحث، هرگونه استمداد از اولیا را به بهانه عجز مخلوق، مصداق شرک می‌شمارند.

۱. واکاوی معنای اذن و حیانی

واکاوی در ترازوی وحی نشان می‌دهد که توبیخ مشرکان در آیه محل بحث، نه به دلیل

۱. ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظيم، ج ۵، ص ۳۹۷.

۲. فخر رازی، محمد، مفاتیح الغیب، ج ۲۳، ص ۲۵۲.

۳. محلی، جلال‌الدین، سیوطی، جلال‌الدین، تفسیر الجلالین، ص ۳۴۴.

۴. بیضاوی، عبدالله، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۴، ص ۷۹.

۵. ابن‌عاشور، محمد، التحریر والتنویر، ج ۱۷، ص ۲۴۵.

«درخواست از واسطه»، بلکه به سبب اعتقاد به «تأثیر استقلالی» معبودهای پنداری بوده است. اگر صرف نسبت دادن اموری مانند نصرت، تدبیر، آفرینش، شفا یا احیای مردگان به غیر خداوند، ملاک شرک باشد، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چگونه قرآن کریم، تدبیر برخی از امور را به فرشتگان^۱ و یا پیامبران^۲ نسبت داده است؟ چنان که حضرت عیسی علیه السلام به تصریح آیات کریمه، قدرت خلق پرنده از گِل، شفای بیماران و زنده کردن مردگان را دارا بود.^۳

مقایسه این دو دسته از آیات نشان می‌دهد که ملاک شرک، صرف اسناد فعل به غیر خدا نیست، بلکه اعتقاد به استقلال آن معبودها در تأثیر و ربوبیت است. در مقابل، قرآن همان افعال را درباره فرشتگان و حضرت عیسی علیه السلام اثبات می‌کند، اما با تصریح به وابستگی کامل آنان به اراده و اذن الهی. به عبارت دیگر در توحید قرآنی، قدرت و تأثیر مخلوقات، هنگامی که در طول قدرت الهی و وابسته به اذن و مشیت او دانسته شود، نه تنها با توحید منافاتی ندارد، بلکه عین گردن نهادن به اراده الهی در نظام اسباب و مسببات، و مطابق با آموزه‌های قرآنی است.

بر این اساس، تفاوت اساسی میان توسل مسلمانان و رفتار مشرکان در مبنای اعتقادی آنان است. مسلمانان، افعال اولیا را «باذن الله» و (در طول اراده حق) می‌پذیرند، و مستقل در تأثیر نمی‌دانند؛ درحالی که مشرکان، معبودهای خود را «ارباب متفرق» و صاحب قدرت تفویض شده می‌پنداشتند.^۴ از این رو، توسل مسلمانان به بنده مأذون، از موضوع آیات مربوط به مشرکان «خروج موضوعی» دارد.

۲. ثبات اقتدار روحی

یک مغالطه اساسی در اندیشه وهابیت، محدود کردن تأثیرگذاری اولیا به زمان حیات

۱. سوره نازعات، آیات ۱-۵.

۲. سوره آل عمران، آیه ۴۰.

۳. سوره آل عمران، آیه ۴۹؛ سوره مائده، آیه ۱۱۰.

۴. «تَاللّٰهُ اِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۱﴾ اِذْ تُسَوِّىْكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِيْنَ ﴿۲﴾» (سوره شعراء، آیات ۹۷-۹۸): «يَا صَاحِبِي السَّجْنِ اَلْزَبَابُ مُتَّفَقُوْنَ خَيْرٌ اَمَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (سوره يوسف، آیه ۳۹).

مادی است. درحالی که بر اساس مبانی قرآنی و روایی، کرامات و اعمال خارق العاده انبیا و اولیا برخاسته از جسم آنان نیست، بلکه ناشی از «قدرت روحی» و مقامی است که نزد پروردگار یافته‌اند. از آنجا که این مقام معنوی با مرگ جسم زایل نمی‌شود، انتقال اولیا به عالم برزخ خللی در وساطت فیض و قدرت مأذون آنان ایجاد نمی‌کند.^۱

۳. سببیت طولی در برابر عرضیت شرک‌آلود

مشکل اصلی مشرکان مکه این بود که بت‌ها را در «عرض» قدرت خدا و دارای تأثیر مستقل می‌دیدند، اما در تفکر اسلامی، اولیای الهی در «طول» اراده پروردگار قرار دارند. این بدان معناست که بنده مقرب، از خود هیچ استقلال ندارد و تمامی تصرفات او تجلی قدرت و اذن مطلق الهی است. لذا همسان‌پنداری «توسل به قدرت مأذون اشرف مخلوقات» با «پرستش مستقل بت‌های بی‌جان»، قیاسی مع الفارق و ناشی از نادیده گرفتن جایگاه «اذن» در هندسه معرفتی قرآن است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که همسان‌انگاری «توسل» با «بت‌پرستی» بر خلط میان درخواست از غیر خدا و عبادت و اعتقاد به استقلال غیر خدا استوار است. بر اساس آیات قرآن، ملاک اصلی شرک، صرف انتساب اثر به غیر خدا نیست؛ بلکه اعتقاد به استقلال مخلوق در ربوبیت، تدبیر و تأثیر است. قرآن کریم در موارد متعدد، افعال و آثار را به فرشتگان و پیامبران نسبت داده و در عین حال، وابستگی کامل آنان به اذن و مشیت الهی را تصریح کرده است. از این رو، اذن الهی معیار بنیادین تمایز میان سببیت توحیدی و سببیت شرکی است. در توسل اسلامی، ولی الهی منشأ مستقل اثر نیست؛ بلکه وسیله‌ای مأذون و وابسته به اراده خداوند است.

در مقابل، ساختار اعتقادی شرک جاهلی با نسبت دادن شأن ربوبی و استقلال در تأثیر به معبودهای غیر الهی شکل گرفته است. همچنین بررسی آیات ناظر به بت‌پرستی

۱. «وقد تواترت الرؤيا في اصناف بني آدم على فعل الارواح بعد موتها ما لا تقدر على مثله حال اتصالها بالبدن من هزيمة الجيوش الكثيرة بالواحد والاثنين والعدد القليل ونحو ذلك». (ابن قیم، محمد، الروح، ص ۱۰۳).

نشان می‌دهد که این آیات در مقام اثبات الوهیت، ربوبیت و قدرت مستقل بت‌ها هستند و نمی‌توان بدون توجه به سیاق و مبنای اعتقادی، آن‌ها را مستقیماً بر توسل به اولیای الهی تطبیق کرد. بنابراین، تفاوت توسل اسلامی و بت‌پرستی، تفاوتی صرفاً شکلی یا مصداقی نیست؛ بلکه تفاوتی در مبنای اعتقادی، متعلق، غایت و نوع رابطه با واسطه است. در نتیجه، ملاک شرک، اصل واسطه‌مندی یا درخواست از غیر خدا نیست، بلکه استقلال‌بخشی به غیر خدا در ربوبیت و تأثیر است. بر این اساس، قیاس توسل به اولیای الهی با بت‌پرستی، بدون اثبات اعتقاد به استقلال واسطه، نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای داوری درباره ایمان یا شرک مسلمانان قرار گیرد.

کتابنامہ

۱. قرآن کریم.
۲. ابابطین، عبداللہ، الانتصار لحزب اللہ، تحقیق: الولید الفریان، ریاض: دار طیبہ، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن باز، عبدالعزیز، مجموع فتاویٰ، ریاض: دار أصداء، چاپ چہارم، ۱۴۲۸ق.
۴. ابن عاشور، محمد، التحرير والتنوير، بیروت: مؤسسة التاريخ، چاپ اول، بی تا.
۵. ابن عبدالوہاب، سلیمان، التوضیح عن توحید الخلاق فی جواب أهل العراق وتذكرة أولي الألباب فی طريقة الشيخ محمد بن عبد الوہاب، ریاض: دار طیبہ، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن عبدالوہاب، محمد، الجواهر المضية، ریاض: دار العاصمة، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
۷. ابن عبدالوہاب، محمد، الرسائل الشخصية، تحقیق: صالح الفوزان و محمد بن صالح العقیلی، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود، بی تا.
۸. ابن عبدالوہاب، محمد، كشف الشبهات، ریاض: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۹. ابن عبدالوہاب، محمد، كشف الشبهات، المملكة العربية السعودية: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۰. ابن عبدالوہاب، محمد، مجموعة رسائل في التوحيد والإيمان (مطبوع ضمن مؤلفات الشيخ محمد بن عبد الوہاب، الجزء الأول)، تحقیق: إسماعیل بن محمد الأنصاري، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود، بی تا.
۱۱. ابن عبدالوہاب، محمد، مجموعة مؤلفات، بیروت: بی نا، چاپ اول، ۲۰۱۰م.
۱۲. ابن قیم، محمد، الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، بیروت: دار الكتب العلمية، بی تا.
۱۳. ابن کثیر، اسماعیل، تفسير القرآن العظيم، بیروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۴. البانی، محمد، تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد، بیروت: المكتب الإسلامي، چاپ چہارم، ۱۴۰۳ق.
۱۵. البانی، محمد ناصر الدین، موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر محمد ناصر الدین البانی، صنعاء: مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقيق التراث والترجمة، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۱۶. بن عثیمین، محمد، مجموع فتاویٰ و رسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثیمین، بی جا: دار الوطن، ۱۴۱۳ق.
۱۷. بیضاوی، عبداللہ، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۸. بیضاوی، عبداللہ، أنوار التنزيل، تحقیق: محمد عبدالرحمن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

۱۹. ثعلبی، أحمد، **الكشف والبيان**، تحقیق: ابن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۰. رازی، ابن أبي حاتم، **تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم**، تحقیق: أسعد محمد الطيب، مكتبة نزار مصطفى الباز، سعودي، چاپ سوم، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۲۱. راغب اصفهانی، أبو القاسم حسين، **تفسير الراغب الاصفهاني**، رياض: دار الوطن، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن، **الدر المنثور في التفسير بالمأثور**، بیروت: دار الفكر، بی تا.
۲۳. صنعانی، عبدالرزاق، **تفسير عبدالرزاق**، تحقیق: محمود محمد عبده، بیروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۴. طبری، محمد، **جامع البيان عن تأويل آي القرآن**، تحقیق: أحمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲۵. عروسی، أبی عبد الرحمن جیلان، **الدعاء ومنزلته من العقيدة الإسلامية**، رياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۶. فخر رازی، محمد، **مفاتيح الغيب**، بیروت: دار احياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۷. فوزان، صالح، **إعانة المستفيد بشرح كتاب التوحيد**، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۲۳ق.
۲۸. فوزان، صالح، **عقيدة التوحيد وبيان ما يضادها**، رياض: دار العاصمة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲۹. فیروزآبادی، مجدالدین، **بصائر ذوي التمييز**، قاهره: لجنة إحياء التراث الإسلامي، ۱۹۷۳م.
۳۰. محلی، جلال الدین؛ سیوطی، جلال الدین، **تفسير الجلالين**، تحقیق: عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.